

## جریان تقابل حق و باطل در اندیشه امام خمینی علیه السلام

دکتر رضا صابری \*

حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی اصغر نصرتی \*\*

### مقدمه

هر انسانی در دفاع از جهت، مسیر، دیدگاه، روش و موضوع عمل خود، حق و باطلی را حاکم بر انتخاب خود می‌داند. تفاوت انسان‌ها در این است که حق و باطل را چه می‌دانند؟ حتی آن کس و آن رژیمی که جنایت می‌کند، زمین و کشور غضب می‌نماید و اقدام به نسل‌کشی می‌کند نیز پشتوانه عمل خود را حقی، گرچه غلط قرار می‌دهد. امام خمینی علیه السلام که پدیده بی‌نظیر انقلاب اسلامی را در عصر غیبت تاکنون خلق کرده است، اندیشه و عمل او می‌تواند الگو و راه‌گشای حرکت صحیح در مسیر تعالی و کمال به سوی هدف‌هایی باشد که توسط پیامبر و ائمه علیهم‌السلام تعیین و تبیین شده است. در این مقاله مبحث حق و باطل در اندیشه و عمل امام خمینی علیه السلام بررسی شده است و پایه‌های بنیادین و نمودهای تاریخی و تاریخ‌ساز و عینی آن در حد امکان تبیین خواهد شد.

### ۱. بنیاد جریان تقابل حق و باطل

رویکرد امام خمینی علیه السلام به موضوع حق و باطل به گونه‌ی جریانی است که پایه‌های آن را می‌توان در ریشه‌ای‌ترین بنیادهای هستی‌شناختی از جمله دو مبحث خلقت عقل و جهل و خلقت انسان بر اساس دو فطرت مخموره و محجوبه مشاهده کرد.

---

\* عضو هیئت علمی گروه روابط عمومی، دانشگاه علامه طباطبایی.

\*\* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

## ۱-۱. بر اساس خلقت عقل و جهل

امام خمینی علیه السلام «حدیث جنود عقل و جهل»<sup>۱</sup> را در کتاب شرح حدیث جنود عقل و جهل تبیین کرده است. در این حدیث سماعه بن مهران از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

عقل و لشکر او و جهل و لشکر او را بشناسید تا هدایت شوید. سماعه می‌گوید من گفتم: فدای شما گردم، ما چیزی را نمی‌شناسیم مگر آنچه را شما به ما بشناسانی. آن حضرت فرمود: همانا خدای تعالی عقل را آفرید - و آن اول مخلوق از عالم ارواح است - از طرف راست عرش، از نور خود و به او فرمود: روی برگردان، او روی برگردانید؛ پس فرمود: روی بیاور، او روی آورد. خدای متعال فرمود: تو را آفریده بزرگی خلق کردم و بر جمیع مخلوقات کرامت دادم. پس از آن خداوند جهل را از دریای شور و تلخ و تاریک آفرید؛ پس به او فرمود: روی برگردان، روی برگرداند. پس از آن فرمود روی آور، روی نیاورد. به او فرمود: سرپیچی کردی و او را لعنت نمود. پس از آن برای عقل هفتادوپنج لشکر قرار داد. جهل چون دید خداوند به عقل اکرام کرد و آنچه را که به او عطا فرموده بود، دید، دشمنی او را در نهاد خود گرفت و گفت ای پروردگار، او را مثل من آفریدی و تکریمش کردی و به او توانایی بخشیدی، من ضد او هستم و در مقابل او توانایی ندارم. همانند او به من نیز لشکریانی عطا کن. خداوند فرمود: آری، پس اگر بعد از آن نافرمانی کردی، تو و لشکر تو را از رحمت خود خارج می‌کنم. جهل گفت راضی شدم و خداوند همانند عقل، هفتادوپنج لشکر نیز به جهل عطا فرمود.<sup>۲</sup>

همان‌طور که در حدیث آمده است، اساس خلقت بر دوگانه عقل و جهل قرار داده شده است که در تقابل با یکدیگر هستند و لشکریان این دو قطب نیز با هم متقابل و ضد یکدیگرند. این قطب‌بندی همچنان که حرکت انبیای الهی بر آن استوار بوده است، بر افکار و حرکت امام خمینی علیه السلام نیز حاکم بود و می‌تواند مبنایی دقیق برای تحلیل دیدگاه و مواضع ایشان قرار گیرد.

## ۱-۲. بر اساس نظریه دو فطرت در خلقت انسان

از دیگر مبانی بنیادین دیدگاه امام خمینی علیه السلام به مقوله حق و باطل، نظریه دو فطرت است که تجلی‌یافته عقل و جهل کلی در خلقت انسان است. ایشان در مقاله ششم از کتاب شرح جنود عقل و جهل می‌فرماید:

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۳، کتاب العقل والجهل، ح ۱۴.

۲. سیدروح‌الله موسوی خمینی، شرح جنود عقل و جهل، ص ۲۰.

حق تبارک و تعالی با عنایت و رحمت خود به ید قدرت خود که طینت آدم اول را مخمر فرمود، دو فطرت و جبلت به آن مرحمت فرمود: یکی اصلی و دیگری تبعی که این دو فطرت براق سیر و رفعت عروج اوست به سوی مقصد و مقصود اصلی. یکی از آن دو فطرت که اصلی است، فطرت مخموره یا فطرت عشق به کمال و خیر و سعادت مطلقه است و دیگری که فرعی و تبعی است، فطرت محجوبه به طبیعت یا فطرت تنفر از نقص و انزجار از شر و شقاوت است.<sup>۱</sup>

در بیان و شرح امام خمینی علیه السلام بر این دو فطرت، فطرت مخموره عبارت است از خیر که وزیر عقل و مبدأ خیرات است. فطرت محجوبه به طبیعت نیز عبارت است از شر که وزیر جهل و مبدأ همه شرور است. بنابراین همان طور که در لایه بنیادین عقل و جهل، تقابل نهادینه شده است، در لایه نزدیک تر آن در وجود انسان این تقابل در قالب خیر و شر و به تعبیر امام خمینی علیه السلام فطرت مخموره و محجوبه، با توجه به جنودی که تحت اختیار این دو فطرت قرار گرفته است، ادامه پیدا می کند که بروز و تداوم آن را در اندیشه و عمل امام خمینی علیه السلام، در ادامه با عناوین نمودهای تاریخی و نیز نمودهای اجتماعی تقابل حق و باطل بررسی می کنیم.

## ۲. نمودهای تاریخی تقابل حق و باطل

تاریخ در ادبیات اسلامی، محصول مجموعه ای از «اراده انسان ها و جوامع انسانی»، «ولایت اولیای تاریخی» و «مشیت الهی» است. به عبارتی فلسفه تاریخ که رسالت آن تأمل درباره ماهیت تاریخ و قوانین حاکم بر تاریخ است و به نوعی دنبال کشف علیت رویدادهای تاریخی است،<sup>۲</sup> در بینش اسلامی و به تبع آن امام خمینی علیه السلام، نه همانند نظر آگوستین قدیس، محصور در قالب تأثیر عوامل جغرافیایی و اجتماعی بر انسان و حوادث تاریخی است<sup>۳</sup> و نه چون ابن خلدون، نگاه تحلیلی و اجتماعی در حوادث تاریخی دارد،<sup>۴</sup> بلکه همان طور که در قرآن کریم بر عبرت گیری از تاریخ و رفتار گذشتگان تأکید می کند: «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ»،<sup>۵</sup> از سنن الهی در جایگاه قوانین حاکم بر تاریخ ذکر می شود: «سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ

۱. همان، ص ۷۹.

۲. دانشنامه دانش گستر، مدخل فلسفه تاریخ، ج ۱۲، ص ۴۳.

۳. همان.

۴. عبدالرحمن بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ص ۴۰.

۵. حشر: ۲.

## لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»<sup>۱</sup>.

سه مورد از عالی‌ترین نمودهای تاریخی مقابله حق و باطل عبارت‌اند از: ولایت طاغوت با ولایت الهی، جبهه سرخ عاشورا بین حق و باطل تا ظهور و تقابل نهایی حق و باطل در عصر ظهور. به این سه مسئله در ادامه پرداخته می‌شود.

### ولایت طاغوت با ولایت الهی

در قرآن این تقابل دو جریان ولایتی تاریخی به تصویر کشیده شده است: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»<sup>۲</sup>. این دو جبهه در دو سوی روشن و تاریک تاریخ هر کدام در صدد و توسعه حداکثری خود و نابودی طرف دیگر است. این دو جبهه در قالب دو نظام ولایتی، یعنی نظام ولایت اولیای الهی و نظام ولایت طاغوت، حاکم و حاضر بر لحظه لحظه تاریخ و تلاش بی‌وقفه برای دستیابی به برقراری سیطره خود بر جوامع انسانی می‌باشند. البته نباید فراموش کرد «بر اساس فلسفه تاریخ الهی» و قرآنی، جبهه باطل هیچ‌گاه به جایی نخواهد رسید تا با تزویر و تحریف‌های خود نور حق را خاموش کند؛ همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید: «يُرِيدُونَ لِيُظْفِقُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»<sup>۳</sup>، بلکه استوانه‌های اصلی طاغوت و ظلمت، هر لحظه در خوف رسیدن وعده الهی هستند؛ و «وعده قطعی غلبه نهایی نور بر ظلمت»<sup>۴</sup> است. جامعه مؤمنان نیز برای توسعه کلمه حق ساکت نمی‌نشیند؛ به همین دلیل درک همه‌جانبه جبهه باطل را در دستور کار خود قرار داده‌اند و مبارزه همه‌جانبه‌ای را نیز بر همین اساس انجام می‌دهند.<sup>۵</sup>

### جبهه سرخ عاشورا بین حق و باطل تا ظهور

نهضت‌های انبیای الهی گام‌به‌گام با اولیای طاغوت در هماوردی بی‌وقفه و بی‌امان ادامه یافت تا رسالت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله در جایگاه قله کمال برنامه هدایت بشریت عالمگیر شود و به عنوان دین

۱. فتح: ۲۳.

۲. بقره: ۲۵۲.

۳. صف: ۸.

۴. سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی و سیدمحمد مهدی میرباقری، مراقبه‌های عاشورایی، ص ۶۹.

۵. همان.

خاتم نسخه نهایی سعادت بشری باشد؛ ولی جبهه باطل پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله مسیر را چنان تحریف و حق را چنان پایمال کرد که امام حسین علیه السلام عاشورا را آفرید که دارای اثرگذاری عمیقی در شکل‌گیری و شفافیت صف‌بندی تاریخی حق و باطل است. آن حضرت بر حسب آثار ظاهری نه فقط جامعه، بلکه تاریخ را متحول کرد.<sup>۱</sup> آنچه سیدالشهدا علیه السلام از اهداف قیام عاشورا بیان می‌فرماید، نشان دهنده اوج درگیری باطل بنی‌امیه با حقیقت تام و تمام جبهه ولایت الهی و رسالت پیامبر خاتم است. ایشان می‌فرماید: «فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِيتَتْ، وَإِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أُحْيِيَتْ: این گروه سنت پیامبر را از بین برده و بدعت را در دین زنده کردند».<sup>۲</sup>

امام حسین علیه السلام در گفتگویی با فرزدق شاعر می‌فرماید:

يَا فَرْزَدُقُ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ وَتَرَكُوا طَاعَةَ الرَّحْمَانِ وَأَظْهَرُوا الْفُسَادَ فِي  
الْأَرْضِ وَأَبْطَلُوا الْخُدُودَ وَشَرَبُوا الْخُمُورَ وَاسْتَأْتَرُوا فِي أَمْوَالِ الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَأَنَا  
أَوْلَى مَنْ قَامَ بِنُصْرَةِ دِينِ اللَّهِ وَإِعْزَازِ شَرْعِهِ وَالْجِهَادِ فِي سَبِيلِهِ؛ لِتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ  
الْعُلْيَا:

ای فرزدق، اینان گروهی هستند که پیروی شیطان را پذیرفتند و اطاعت خدای رحمان را رها کردند و در زمین فساد را آشکار ساختند و حدود الهی را از بین بردند و باده‌ها را نوشیدند و دارایی‌های فقیران و بیچارگان را ویژه خود کردند و من از هر کس به یاری دین خداوند و سربلندی آیینش و جهاد در راهش سزاوارترم، تا آیین خداوند پیروز باشد.<sup>۳</sup>

همچنین آن حضرت دلیل پاسخ‌گفتن به دعوت اهل کوفه را «احیاء معالم الحق و امانه البدع: بدان امید که نشانه‌های حق زنده و بدعت‌ها نابود شود»، می‌داند.<sup>۴</sup>

امام خمینی علیه السلام نیز در کلامی گویا و مختصر می‌فرماید: «محرم ماهی هست که عدالت در مقابل ظلم و حق در مقابل باطل قیام کرده و به اثبات رسانده است که در طول تاریخ همیشه حق بر باطل پیروز شده است».<sup>۵</sup>

۱. همان، ص ۳۸.

۲. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۶۶.

۳. سیدمحسن امین، اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۵۹۴.

۴. سعید داودی و مهدی رستم‌نژاد، عاشورا: ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها و پیام‌ها، ص ۳۵۸.

۵. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۵، ص ۱۷۷.

### تقابل نهایی حق و باطل در عصر ظهور

یکی دیگر از نقاط اوج درگیری حق و باطل که تقابل پایانی و مرحله غلبه مطلق حق بر باطل است، عصر ظهور امام زمان علیه السلام است. امام خمینی رحمته الله علیه به این دوره تاریخی اشاره‌ای دارد و می‌فرماید:

اگر دست‌مان می‌رسید و قدرت داشتیم، باید برویم تمام ظلم‌ها و جرم‌ها را از عالم برداریم. تکلیف شرعی ماست، منتها ما نمی‌توانیم. اینی که هست این است که حضرت عالم را پر می‌کند از عدالت.<sup>۱</sup>

عصر ظهور زمانی است که جبهه باطل به سرکردگی ابلیس و مباشرت قدرتمندترین طاغوت‌های زمان، همه توان خود را کار می‌گیرند و هرچه تیر در ترکش دارند از کمان رها می‌کنند تا با نهایت‌رساندن ظرفیت ظلم و جور در عالم و پرکردن همه ابعاد و ذرات جهان از ستم، جلوی بندگی خدا را بگیرند. درگیری بین حق و باطل در اوج خود و با تمام ظرفیت‌های ممکن اتفاق می‌افتد؛ ولی اراده خداوند بر آن است که مؤمنان بر جایگاه عزت و پیروزی بنشینند و جریان باطل مقهور و از سریر قدرت به زیر خواهد افتاد.<sup>۲</sup>

خداوند در آیات متعددی بر تقابل حق و باطل و غلبه ولایت الهی به دست مبارک امام زمان علیه السلام اشاره می‌کند؛ از جمله: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» در زبور [کتاب حضرت داوود پیغمبر] بعد از کتب آسمانی سابق نوشتیم که به تحقیق و یقین زمین را بندگان صالح ما به ارث می‌برند.<sup>۳</sup>

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ: ما بر آن هستیم که بر مستضعفان روی زمین منت گذارده، آنان را پیشوایان و وارثان قرار دهیم».<sup>۴</sup>

### ۳. نمودهای اجتماعی تقابل حق و باطل در امتداد تاریخ حیات بشر

همان‌طور که بیان شد اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه از انسجام و نظام‌وارگی برخوردار است. اقتضای نظام‌وارگی آن است که مبتنی بر پایه‌های بنیادین نگرش امام رحمته الله علیه به حق و باطل، نمودهای تاریخی در ادامه یا مبتنی بر همان مبنای بنیادین باشد و نمودهای اجتماعی نیز گرچه ممکن است از نظر

۱. همان، ج ۲۱، ص ۱۵.

۲. اسراء: ۸۱.

۳. انبیا: ۱۰۵.

۴. قصص: ۵.

موضوع، حائز اهمیت و دارای تأثیرهای بزرگ باشند، ولی دارای برد زمانی محدودتر، ولی در ادامه و هم‌راستا و گاه در ظرف نمودهای تاریخی تعریف می‌شوند. کلام امام خمینی علیه السلام که فرمود: «جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام‌شدنی نیست؛ جنگ ما جنگ فقر و غنا بود؛ جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد»،<sup>۱</sup> به نتیجه مهمی اشاره دارد که نباید حوادث مانند جنگ را در ظرف خرد زمانی تحلیل کرد، بلکه تحت شمول کلان‌گفتمانی هستند که حاکم بر همه هستی و بین خیر و شر است.

با چنین نظم‌نگرش و اندیشه، در نگاه به حوادث و وقایع کوچک و بزرگ اجتماعی، حتی در تاریخ حیات بشر، یکپارچگی گفتمانی و خط سیر واحد تقابل را در دو جبهه حق و باطل می‌توان به‌روشنی مشاهده و رفتار آنها را تحلیل کرد. اشاره مختصر به نمودهای اجتماعی تقابل حق و باطل در طول تاریخ بشر با تأکید به نوع نگاه و برداشت امام خمینی علیه السلام از آنها می‌تواند مدعای این نوشتار را تأیید کند.

### ۳-۱. تقابل طواغیت با نهضت‌های انبیای الهی

در سپیده‌دم خلقت اولین انسان «آدم» در جایگاه اولین مظهر عقل و خیر در عالم ملک، دشمنی به نام «ابلیس» آشکار شد که ریشه در شر و جهل داشت.<sup>۲</sup> ابلیس با ایستادگی در مقابل فرمان الهی در سجده بر آدم، اولین گام را در مقابله با او و عزم جدی بر گمراه کردن آدم و فرزندانش برداشت و اینکه شیطان اظهار کرد که بر سر راه انسان‌ها کمین می‌کنم و از چهار طرف آنها را احاطه می‌کنم، نشان از دشمنی و مقابله جدی همه‌جانبه و بسیار عمیق او با انسان دارد: «ثُمَّ لَا تَبِيتُهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ».<sup>۳</sup>

ابلیس با وسوسه آدم و حوا موجب اخراج آنها از بهشت شد و با رشد فرزندان آدم، در یکی از دو فرزند آدم نفوذ کرد و قابیل برادرش هابیل را به قتل رساند و در مقیاس فردی باطل با حق به نزاع و درگیری برخاست: «فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ».<sup>۴</sup>

همچنین حضرت نوح علیه السلام با وجودی که ۹۵۰ سال شب و روز قومش را به سوی خدا دعوت کرد، قوم او نه در مقیاس فرد، بلکه در قامت یک جامعه فاسد و مشرک، در مقابل دعوت به

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۴.

۲. بقره: ۳۴.

۳. اعراف: ۱۷.

۴. مانند: ۳۰.

توحید مقاومت کردند و همچنان بر کفر خود پافشاری نمودند: «قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا - فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا».<sup>۱</sup>

در مقیاس حکومتی، می توان از حضرت موسی علیه السلام یاد کرد که فرعون در جایگاه طاغوتی که ادعای خدایی داشت: «قَالَ لئن اتَّخَذَتِ اِلهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ»<sup>۲</sup>، با همه نهاد حکومتش در مقابل دعوت موسی علیه السلام مقابله کرد.<sup>۳</sup>

با بعثت نبی اکرم صلی الله علیه و آله، ابلیس که از لحاظ تاریخی جریان حق را تثبیت شده و ماندگار تا قیامت می دید، نعره زد. امام صادق علیه السلام می فرماید: «انَّ اِبْلِيسَ عَدُوَّ اللّٰهِ رَنَّ اَزْبَعَ رَنَاتٍ: يَوْمَ لُعْنٍ، وَ يَوْمَ اُهْبَطَ اِلَى الْاَرْضِ، وَ يَوْمَ بُعِثَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله وَ يَوْمَ الْعَدِيرِ».<sup>۴</sup>

با توجه به اینکه نبی اکرم صلی الله علیه و آله اشرف انبیای الهی و در اوج قله کمال است، هنوز موعد نهایی نابودی ابلیس فرا نرسیده است. بایستی ابلیس در این دوره زمانی پیچیده ترین مکرهای خود را برای شکست جبهه حق یا به تأخیر انداختن پیروزی نهایی آن به کار ببرد؛ از این رو با ایجاد انحرافی که در مقوله جاننشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله ایجاد کرد و پس از آن با به کارگیری خاندانهای بنی امیه و بنی عباس توانست از تحقق وعده الهی بر غلبه نهایی اسلام بر کفر و شرک جلوگیری کند.

### ۲-۳. تقابل حق و باطل در عصر غیبت

در عصر غیبت امام معصوم علیه السلام، تقابل حق و باطل به گونه پیچیده تری شکل گرفته است. گرچه تا قرن ها این درگیری به طور سنتی و با شیوه های نسبتاً بسیط و با ابزارهای سخت و نرم آشکار ادامه داشت، اوج تنازع حق و باطل در عصر جدید با «رنسانس» شکل گرفت؛ نهضتی که به ظاهر در ستیز با حاکمیت کلیسا و دینداری مسیحی در اروپا به راه افتاد و خود را با سکولاریزم، با معانی اصالت امور دنیایی، عرف گرایی، تفکیک دین از سیاست و در نهایت طرد دین از ساحت حیات اجتماعی انسان معرفی کرد؛ ولی با توجه به زیرساخت ها و لوازم نظری و پیامدهای عملی آن به طور غیر آشکار، در قامت دین جدیدی ظاهر شد. به بشریت اعلام کردند دین، عامل اختلاف و جنگ ها و نزاع ها بین جوامع است و اگر بخواهیم به صلح و آرامش برسیم، باید وجه اختلاف

۱. نوح: ۵-۶.

۲. شعرا: ۲۹.

۳. نازعات: ۲۱.

۴. ابوالعباس الحمیری، قرب الاسناد، ج ۱، ص ۹.



جوامع را که دین‌داری و عقاید دینی آنهاست، محدود کنیم و از دخالت آن در سیاست و جامعه جلوگیری نماییم.

گفتند باید بر اشتراک‌های بشر که وجوه مادی هستی اعم از فلسفی، علمی، تجربی و عینی است، تمدنی فراگیر بنا کنیم و همگان با باور به مبانی و وفاداری به قوانین و اصول ارزشی معرفتی و رفتاری آن بدون اختلاف زندگی کنند. اما عمق آن را که هنوز بیشتر انسان‌ها و جوامع، به‌ویژه تحصیل‌کردگان و نخبگان که مروج و منادی آن هستند، در نیافته‌اند؛ در حقیقت دین‌سازی جدیدی بود در مقابل ادیان الهی. دینی با دارا بودن باورهای اعتقادی و معرفتی و قوانین و الزامات رفتاری و اصولاً دارای جهان‌بینی، دستگاه معرفتی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی و در یک معنا دین کامل مادی در مقابل دستگاه انبیای الهی.

این سازمان تمدنی شاید بزرگ‌ترین دستاورد جریان باطل و نظم شیطانی تا کنون باشد که به دنبال حذف هرگونه خداپرستی و توحید و نفی تعالیم انبیای الهی و جایگزینی دین جدید دنیاپرستی با محوریت پرستش ماده و آثار آن و در جامعه بشری با تکیه بر انسان‌محوری و جایگزینی عقل خودبنیاد بشری به جای وحی است. امام خمینی علیه السلام در توصیف عمق دشمنی تمدن مادی با هویت الهی و اسلامی می‌فرماید:

به‌یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی‌مان نمی‌شناسند و به گفته قرآن کریم هرگز دست از مقابله با شما برنمی‌دارند مگر اینکه شما را از دینتان برگرداند.<sup>۱</sup>

تمدن مادی غرب افزون بر تضاد بنیادی با ادیان و مذاهب الهی، به این نتیجه رسیده است که اگر نتواند به طور کامل آنها را از میدان خارج کند، باید با استفاده از ابزارهای مادی و فکری که در اختیار دارد، از ادیان و مذاهب به نفع گسترش سلطه بی‌رقیب بر جهان استفاده کند؛ همچنان که نهاد کلیسا و صهیونیسم به عنوان ابزار سلطه استعماری تمدن غرب درآمده‌اند و هر جا که لازم بود، دین و گرایش‌های مذهبی در اختیار ایجاد کرده‌اند؛ مثل بهائیت، وهابیت، داعش و ده‌ها و صدها فرقه و مکتب فکری اعتقادی تا باورها و عقاید جوامع انسانی را تحت کنترل و مدیریت شیطانی خود داشته باشد.

دستگاه شیطانی تمدن غرب به این باور رسیده بود که در قرن بیستم به سطحی از قدرت و مهارت اندیشه‌ها و باورها رسیده است که یکپارچگی عالم را تحت یک نظام اعتقادی، فکری و

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۹۰.

حاکمیتی پیگیری کند؛ از این رو در پایان جنگ‌های جهانی خانمان‌سوز که برای تثبیت اقتدار سیاسی و نظامی این تمدن بر دنیا به راه افتاد، طرح‌های جهانی شدن، دهکده جهانی و نظم نوین جهانی طرح گردید؛ ولی انقلاب اسلامی در ایران طرح شیطانی تمدن مادی غرب را به هم ریخت، از دین الهی و دین‌داری دفاع کرد و به حدی از قدرت و توانایی رسید که به زیربناهای فلسفی، اعتقادی و فکری و حتی حوزه‌های قدرت تمدن غرب تهاجم کرد. امام خمینی علیه السلام در بیان فلسفه برائت از مشرکین فرمودند:

باید دید در عصری همانند امروز که سران کفر و شرک، همه موجودیت توحید را به خطر انداخته‌اند و تمامی مظاهر ملی و فرهنگی و دینی سیاسی ملت‌ها را بازیچه هوس‌ها و شهوت‌ها نموده‌اند چه باید کرد.<sup>۱</sup>

امام خمینی علیه السلام سرانجام با بهره‌گیری از تجارب انقلاب اسلامی و شناخت نقاط قوت و ضعف دشمن، شیوه مقابله با نظام سلطه شیطانی غرب را ترسیم می‌کند و می‌فرماید:

ما به تمام جهان تجربه‌هایمان را صادر می‌کنیم و نتیجه مبارزه با ستمگران را بدون کوچک‌ترین چشم‌داشتی به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه‌ها جز شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده‌شدن احکام اسلامی برای ملت‌های در بند نیست.<sup>۲</sup>

نتیجه انقلاب اسلامی و پایه‌گذاری بنیان‌های اعتقادی، نظری و نظام سیاسی جمهوری اسلامی و سال‌ها مجاهدت و مقاومت خستگی‌ناپذیر مجاهدان راه خدا در سایه رهبری امام خمینی علیه السلام و اکنون امام خامنه‌ای علیه السلام، شکل‌گیری سازه‌ها و طرح و بنای تمدن نوین اسلامی در مقابل تمدن مادی و خداستیز غربی است. مقابله و ستیز جانانه‌ای که روزه‌روز انقلاب اسلامی در مسیر تسخیر سنگرهای کلیدی قدرت بین ملت‌ها، و از سوی دیگر نظام سلطه کفر در حال فروپاشی از بیرون و درون است. بیداری انسانی و الهی بین بشریت و بیدارشدن وجدان جهانیان و پایداری مقاومت اسلامی، در موضوع فلسطین با محوریت انقلاب اسلامی، ان‌شاءالله زمینه‌های گرایش بشریت به منجی نهایی و ذخیره خداوند برای هدایت بشریت را فراهم می‌نماید تا پایان شب سیاه باطل و روز روشن ظهور حق و غلبه بر باطل را رقم بزنند.

۱. همان، ج ۲۰، ص ۳۱۶.

۲. همان، ص ۳۲۵.

## کتابنامه

### قرآن کریم

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.
۲. حداد عادل، غلامعلی و مصطفی میرسلیم، دانشنامه جهان اسلام، ج ۶، مدخل «تاریخ»، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۹۹.
۳. حسینی الهاشمی، سیدمیرالدین و سیدمحمد مهدی میرباقری، مراقبه‌های عاشورایی، قم: فجر ولایت، ۱۳۸۸.
۴. الحمیری، ابوالعباس، قرب الاسناد، قم: مؤسسه آل‌البتیة علیهم السلام، ۱۴۱۳ ق.
۵. داودی، سعید و مهدی رستم‌نژاد، عاشورا: ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها و پیام‌ها، ج ۵، قم: نشر امام علی ابن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۷.
۶. رامین، علی، کامران فانی و محمدعلی سادات، دانشنامه دانش گستر، مدخل «فلسفه تاریخ»، ج ۱۲، تهران: مؤسسه دانش گستر روز، ۱۳۸۹.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، [بی تا].
۸. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، شرح حدیث جنود و عقل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۲.
۹. \_\_\_\_\_، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹.